

اگر شد، بخوانید

مریم راهی

دیدار

۱۰

ش ۱۳۳

«ای پیامبر بگو این راه من است که از روی بصیرت، مردم را به خدای یکتا فرا می‌خوانم. این است راه من و کسانی که مرا پیروی کرده‌اند. آری منزّه است خدا از این که شریک داشته باشد و من از مشرکان نیستم.» (یوسف، ۱۰۸)

چرا امام حسین کوفه را انتخاب کرد؟

* امام حسین (علیه السلام) در مدینه از بیعت با یزید خودداری نمود و سپس به سوی مکه رهسپار شد.

* مردم کوفه از مخالفت امام حسین (علیه السلام) با یزید و اقامت ایشان در مکه آگاه شدند و حدود دوازده هزار نامه نوشتند و امام را به کوفه دعوت کردند.

* ادامه مبارزه و مخالفت امام حسین (علیه السلام) با یزید نتیجه‌ای جز کشته شدن مخفیانه ایشان به دست عمال یزید را در پی نداشت.

* اگر خون امام حسین در مکه ریخته می‌شد به قداست خانه خدا توهین می‌شد و هیچ نفعی هم به اسلام نمی‌رسید.

* کوفه از شهرهای مهم عراق و مرکز هواداران اهل بیت بود. این شهر پس از فتح سرزمین عراق به دست مسلمانان صدر اسلام، مرکز و پایگاهی نظامی برای مسلمانان شد پس می‌توانست جای مناسبی برای فعالیت امام حسین و یارانش باشد.

نامه اول امام حسین (علیه السلام) در پاسخ به نامه‌های مردم کوفه:

بسم الله الرحمن الرحيم. از سوی حسین بن علی به بزرگان و پسران اهل ایمان شهر کوفه. آخرین نامه شما به وسیله هانی و سعید به دست من رسید و من به آن چه شما در نامه‌های خود تذکر و توضیح داده‌اید پی برده‌ام و درخواست شما در بیش‌تر این نامه‌ها این بود که ما امام پیشوایی نداریم، به سوی ما حرکت کن تا خداوند به وسیله تو ما را به سوی حق هدایت کند. و اینک من برادر و پسر عموی خویش، مسلم بن عقیل، کسی را که در میان خانواده‌ام بیش از همه مورد اعتماد است به سوی شما گسیل داشتم و به او دستور دادم که با افکار شما از نزدیک آشنا شده و نتیجه را به اطلاع من برساند که اگر خواسته مردم و نظر افراد آگاه کوفه همان بود که در نامه‌های شما منعکس گردیده و فرستادگان شما حضورا بازگو نموده‌اند من نیز این شاء الله عن قریب به سوی شما حرکت خواهم نمود. به خدا سوگند پیشوای راستین و امام به حق کسی است که به کتاب خدا عمل نموده و راه قسط و عدل را پیشه خود سازد و از حق پیروی کرده وجود خویش را وقف و فدای فرمان خدا کند. والسلام^۱.

* هدف امام حسین (علیه السلام) همان‌طور که بارها خود ایشان فرموده مخالفت با حکومت یزید، امر به معروف و نهی از منکر و احیای دین است.

* خدا در قرآن علت از هم پاشیده شدن ملت‌ها را عملی نکردن به مسئله امر به معروف و نهی از منکر معرفی می‌کند و می‌فرماید: «شگفت است که چرا از امت‌هایی که پیش از شما می‌زیستند گروهی نبودند که قومشان را از فساد در زمین باز دارند و از عذاب برهانند.»^۲

* مؤمن باید در تغییر چنین وضعی اقدام کند و سعی بر تغییر شرایط و پیش بردن آن به سوی حقیقت داشته باشد. امام حسین، مؤمن‌ترین است پس مسلماً شهادت را بر می‌گزیند تا به اسلام زندگانی بخشد.

* امام حسین (علیه السلام) اگر به شهادت نمی‌رسید رسالتش تکمیل نمی‌شد. همان‌طور که اگر حضرت محمد (صلی الله علیه و آله)، علی بن ابی طالب (علیه السلام) را در غدیر خم به جانشینی خود معرفی نمی‌کرد رسالتش به اتمام نمی‌رسید.

* با حضور امام حسین در کربلا، تمام دین در برابر تمام کفر قرار گرفت و در واقع روز عاشورا، جنگ بر سر خدا بود.

* عاشورا نیاز انسان به بصیرت را آشکار ساخت. بصیرت عبارت است از بینش و آگاهی فرد در برابر انتخاب درست از نادرست و پایداری بر عمل درست تا پای جان و مقاومت در برابر وسوسه‌های ستمکاران. بصیرت به طور خلاصه، استواری در ایمان است.

* آزمایش بهترین وسیله برای تشخیص حق از باطل و بهترین راه برای شناخت افکار انسان‌ها است. روزی که امام حسین به سوی کربلا حرکت کرد بسیاری از آنان که مدعی دینداری بودند ایشان را همراهی نکرده و بهانه آوردند که این کار خطرناک است و ما نمی‌توانیم خودمان را به خطر بیندازیم، حتی برخی تا نیمه راه آمدند و شب عاشورا از یاری امام منصرف شدند و میدان را ترک کردند. این‌ها کسانی بودند که به فرموده امام حسین به رستگاری نمی‌رسند.

نکات این نامه:

* امام حسین (علیه السلام) با وجود این که از عاقبت این سفر آگاه بود اما صلاح ندید با اتکا به علم غیب، دعوت کوفیان را نادیده بگیرد پس دعوتشان را پذیرفت و برای اتمام حجت به سویشان حرکت کرد.

* امام حسین (علیه السلام) به لزوم حضور امام در جامعه برای هدایت مردم اشاره می کند.

* امام حسین (علیه السلام) با اشاره به حقانیت خود و روشن ساختن وظیفه اش به عنوان امام، دلیل حرکتش به سوی کوفه و فدا کردن جانش در راه خدا را بیان می کند.

نامه دوم امام حسین (علیه السلام) به مردم کوفه:

نامه مسلم بن عقیل را که بیانگر اجتماع و هماهنگی شما در راه نصرت و یاری ما خاندان و مطالبه حق ما بود دریافت نمودم. از خداوند مسئلت دارم که عاقبت همه را به خیر و شما را موفق و در این اتحاد و اتفاق بر شما ثواب و اجر عظیم عنایت فرماید. من هم روز سه شنبه هشتم ذی حجه از مکه به سوی شما حرکت نموده ام و با رسیدن پیک من، شماها به کارهای خویش سر و سامان بخشید که من نیز در این چند روزه خواهم رسید.^۲

نامه امام حسین (علیه السلام) به بنی هاشم:

بسم الله الرحمن الرحيم. از حسین بن علی به محمد بن علی و افراد دیگر خاندان هاشم که در نزد وی هستند. هر یک از شما که در این سفر به من ملحق گردید به شهادت نائل خواهد گردید و هر کس از همراهی با من خودداری ورزد به فتح و پیروزی دست نخواهد یافت.

والسلام.^۳

اگر امام حسین (علیه السلام) از شهادت خود آگاه است چرا به سوی کشته شدن می رود؟

* خدا در آیه ۱۱۱ سوره توبه می فرماید: «همانا خدا از مؤمنان، جان و مالشان را در برابر این که بهشت برای آنان باشد خریده است بدین صورت که در راه خدا پیکار کنند و بکشند و کشته شوند. این را خداوند به عنوان وعده ای راست و درست بر خود واجب کرده و در تورات و انجیل و قرآن آن را به عنوان سند معامله ثبت کرده است و کیست که به پیمان خویش از خدا وفادارتر باشد؟ پس به این داد و بپندگی که به آن دست یافته اید شادمان باشید و این است آن سعادت بزرگ».

* جهاد از دستورات مهم اسلام است.

* اگر جهاد بر مسلمانان واجب است، برای امام که حافظ دین است باید وظیفه ای بالاتر محسوب شود.

* درست است که پایان این سفر شهادت است اما امام حسین به قصد از بین بردن فساد راهی این سفر می شود.

* امام حسین (علیه السلام) در جواب برادرش محمد حنفیه که قصد داشت مانع حرکت ایشان شود فرمود که رسول خدا به خواب من آمد و فرمود: «حسین حرکت کن زیرا خدا خواسته است تو را کشته ببیند».^۴

آیا امام حسین (علیه السلام) مجبور به شهادت بود؟

* اگر شهادت امام حسین (علیه السلام) به طور جبری صورت گرفته باشد ارزشی نخواهد داشت.

* این جا صحبت از اراده تشریعی خداوند است.

* اراده تشریعی خداوند در اوامر و نواهی الهی خلاصه می گردد. با این که همواره اراده تشریعی خداوند برقرار است اما تحقق این گونه امور به اراده و خواست و انتخاب بندگان صورت می گیرد.

* امام حسین (علیه السلام) می فرماید: «اینک که مسلمانان به فرمانروایی مانند یزید گرفتار شده اند باید فاتحه اسلام را خواند.» پس ایشان برای نجات اسلام و زنده کردن قرآن فراموش شده، خودش و یارانش را قربانی می کند در حالی که همگی راضی و خشنود هستند.

* امام حسین (علیه السلام) در انتخاب شهادت، آزاد بود. ایشان در تمام طول سفر می توانست با بیان دلایل قاطع و روشن از ادامه راه خودداری کند اما شهادت را برگزید.

سخنرانی امام حسین (علیه السلام) پس از ورود به کربلا:

پیشامد ما همین است که می بینید. جداً اوضاع زمان دگرگون گردیده، زشتی ها آشکار و نیکی ها و فضیلت ها از میان ما رخت بر بسته است. مگر اندکی از فضایل انسانی چیزی باقی نمانده؛ مانند قطرات ته مانده ظرف آب. مردم در زندگی ننگین و ذلت باری به سر می برند که نه به حق عمل و نه از باطل روگردان می شود. شایسته است که در چنین محیط ننگین شخص با ایمان و با فضیلت، فداکاری و جانبازی کند و به سوی فیض دیدار پروردگارش بشتابد. من در چنین محیط ذلت باری مرگ را جز سعادت و خوشبختی و زندگی با این ستمگران را چیزی جز رنج و نکبت نمی دانم. این مردم برده های دنیا هستند و دین لقلقه زبان شان است، حمایت و پشتیبانی شان از دین تا آن جا است که زندگی شان در رفاه است و آن گاه که در بوته امتحان قرار گرفتند دینداران کم خواهند بود.^۵